

زمین گیر شدن

سارقان پسته در کرمان زمین گیر شدند

توکلی - ۹ سارق و مالخر پسته در چنگ قانون گرفتار شدند.

به گزارش خبرنگار ما، دستگیری اعضای با ن دست پسته در اجرای طرح ارتقای امنیت اجتماعی ویژه فصل برداشت این محصول در دستور کار پلیس انار قرار گرفت. فرمانده انتظامی شهرستان انار گفت: ماموران پلیس آگاهی و کلانتری مرکز این فرماندهی با اقدام اطلاعاتی و عملیاتی، شش سارق و مالخر را دستگیر کردند. سرهنگ خلیلی نژاد افزود: در این عملیات بیش از یک تن پسته کشف و دو دستگاه خودرو توقیف شد. این مسئول انتظامی خاطر نشان کرد: در اجرای این طرح دو تن پسته سرقتی کشف شده است. سرهنگ « رمضان نژاد» جانشین فرمانده انتظامی سیرجان نیز از دستگیری سه سارق و کشف ۲۰۰ کیلوگرم پسته سرقتی در این شهرستان خبر داد.

ادعای زنده شدن خانم معلم نهانودی در سردخانه!

یکی از زائران نهانودی اربعین پس از چند ساعت ماندن در سردخانه به زندگی برگشت. به گزارش رکن، یک معلم نهانودی که برای حضور در مراسم اربعین به کشور عراق سفر و به علت برخورد با یک دستگاه تاکسی فوت کرده بود، دوباره به زندگی برگشت. معصومه کیانی ۳۴ ساله اهل شهر گیان نهانود شامگاه جمعه در شهر شوملی عراق در تصادف با یک دستگاه خودروی تاکسی ون پس از جراحات شدید و انتقال به بیمارستان شهر شوملی، به علت شدت جراحات وارد شده فوت کرد، اما پس از انتقال به سردخانه و پس از گذشت چند ساعت متوجه شدند که وی زنده است. معصومه کیانی معلم مدرسه روستای شهرک سلگی بخش خزل نهانود است که برای شرکت در مراسم عزاداری اربعین حسینی عازم کربلا شده.

مرگ دلخراش ۲ جوان روستایی بر اثر برق گرفتگی

توکلی - برق، جان دو جوان روستایی را در جنوب کرمان گرفت. فرمانده انتظامی عنبرآباد گفت: این دو جوان در روستای گرم سالار رضا از توابع بخش جبالبارز جنوبی این شهرستان برای نصب پمپ وارد چاه آب شده بودند که دچار برق گرفتگی شدند و در دم جان باختند. به گزارش خبرنگار ما، سرهنگ بیدشکی افزود: اهالی محلی و عوامل امدادی پس از یک ساعت توانستند اجساد بی جان این دو جوان را از چاه خارج و به پزشکی قانونی منتقل کنند. این مسئول انتظامی، علت اصلی این حادثه را بی احتیاطی و رعایت نشدن مقررات ایمنی از سوی قربانیان ذکر کرد.

پلیس باند تبهکاران عشوه گر را متلاشی کرد

قربانیان آب میوه تلخ!



تصویر «ج» سرکرده باند تبهکاران

به گزارش خراسان، این گونه بود که تلاش نیروهای انتظامی برای شناسایی و دستگیری اعضای این باند تبهکار آغاز شد و پرونده سرقت ده ها میلیونی با صدور دستوری از سوی قاضی سید جواد حسینی (معاون دادستان مرکز خراسان رضوی) در اختیار ماموران تجسس کلانتری پنجن مشهد قرار گرفت چرا که رصد های اطلاعاتی و ردیابی های پلیسی بیانگر آن بود که اعضای این باند در لانه ای مجردي و در حوزه استحفاظی این کلانتری مخفی شده اند. دقایقی بعد نیروهای تجسس به سرپرستی ستوان یکم نجاتی (رئیس دایره تجسس) وارد عملیات شدند و با کسب مجوز های قضایی منزل مذکور را در خیابان پنجن شناسایی کردند اما زمانی که نیروهای انتظامی قصد محاصره مخفیگاه متهمان را داشتند، ناگهان با دو جوان موتور سوار برخورد کردند که یکی از آن ها بلافاصله با دیدن پلیس از محل گریخت ولی جوان ۲۳ ساله دیگر در محل دستگیر شد. این جوان که مورد سوال و جواب نیروهای انتظامی قرار گرفته بود، با بیان این که جوان فراری همان «ج» جوان ۲۵ ساله تحت تعقیب است، راز سرقت با شگرد آب میوه تلخ را لو داد و مشخص شد که آن ها با پول های سرقتی منزلی را در منطقه خواجهر بیع مشهد خریده اند! به همین دلیل گروه زده ای از ماموران با هدایت مستقیم سروان مختاری فر (سرپرست کلانتری پنجن) عملیات تخصصی را در دستور کار قرار دادند و مادر ۴۴ ساله «ج» را نیز که در خرید منزل با پول های سرقتی نقش داشت، دستگیر کردند اما همچنان دیگر اعضای باند تبهکاران عشوه گر فراری بودند تا این که سرهنگ عباس صارمی ساداتی به فرماندهی انتظامی مشهد

منصوب شد. او که تاکید خاصی بر مبارزه با جرایم خاص و خشن دارد، به محض اطلاع از ماجرای باند سرقت از مسافران، بی درنگ دستور داد تا گروه تجسس، این پرونده را با کسب راهنمایی قضایی به طور ویژه پیگیری کنند، بنابر این شیوه عملیات تغییر کرد و نیروهای انتظامی با به کارگیری شگردهای تخصصی دریافتند که قرار «ج» به آبادان صحنه سازی است و این جوان، در منطقه همت آباد مشهد تردد می کند. نیروهای ویژه عملیاتی که با نظارت و فرماندهی مستقیم سرهنگ صارمی به عملیات پلیسی ادامه می دادند، ساعت ۲ با مداد هفدهم مهر در حالی که مکان احتمالی تردد «ج» را به محاصره درآورده بودند، این جوان را هنگام ورود به منزل مادرش دستگیر کردند و به مقر انتظامی انتقال دادند.

با دستگیری سرکرده این باند و اعترافات او سه زن دیگر عضو باند تبهکاران نیز در عملیات های جداگانه دستگیر و به مراجع قضایی معرفی شدند. «ج» (سرکرده این باند) در بازجویی های پلیسی ضمن اعتراف به سرقت بیش از ۱۰۰ میلیون تومان وجه نقد از دو مسافر گفت: در هفته مرکز شهر به دنبال مسافری می گشتم و خود را به عنوان راهنمای مسافران معرفی می کردم. متهم این پرونده اضافه کرد: برای آن که جلب توجه نکنم در ملاقات بعدی دوزن جوان را همراه خود می بردم تا نقشه خود را به گونه ای اجرا کنم که کسی مشکوک نشود.

وی درباره سرقت ۱۰۰ میلیونی نیز گفت: آن روز مقداری قرص خواب آور حل شده را با سرنگ داخل آب میوه ریختم و به دو مسافری خوراندیم که به من اعتماد کرده بودند چون می دانستم افرادی که به مسافرت چند روزه می آیند، مبالغ زیادی پول برای خرید به همراه دارند. نقشه سرقت را با همدستی دوست دخترم و دو زن دیگر اجرا می کردم. بنابر گزارش مسافران، فرمانده انتظامی مشهد با تأیید این خبر به خراسان گفت: اعضای این باند با تلاش شبانه روزی نیروهای انتظامی مشهد و در راستای برخورد قاطعانه با جرایم خشن دستگیر شده اند و تحقیقات برای کشف سرقت های احتمالی دیگر آنان ادامه دارد. سرهنگ عباس صارمی ساداتی با بیان این که اگر اموال مسافران دیگری در نقاط مختلف کشور با این شیوه و شگرد مورد دستبرد قرار گرفته است به کلانتری پنجن مشهد مراجعه کنند، به مسافرانی که نیاز به راهنما دارند توصیه کرد، حتماً از مراکز گردشگری و معتبر برای رفع نیاز های خود کمک بگیرند و به افراد ناشناس اعتماد نکنند.

رئیس پلیس مشهد همچنین به این گونه مجرمان توصیه کرد: دست از اعمال خلاف بردارند و راه درست زندگی را در پیش بگیرند چرا که هیچ مجرمی نمی تواند از چنگ قانون بگریزد و پلیس با تمام امکانات برای خدمت به مردم به مبارزه با قاطعانه با جرایم و به ویژه سرقت ادامه می دهد.

حوادث

۱۳

در امتداد تاریکی

دار مکافات

زمانی که با داشتن همسر و دو فرزندوار دیگر رابطه خیابانی با مرد دیگری شدم باید به روزی فکری می کردم که زن بی وجدان دیگری همچون خودم پیدا می شود که کلیه زندگی مرا ویران کند چرا که از قدیم گفته اند، همین دنیا دار مکافات است...

زن ۳۰ ساله در حالی که بیان می کرد هر زندگی مشترکی که بر پایه خیانت بنا شود نه با گرد باد و توفان بلکه با اندک نسیمی فرو می ریزد، به کارشناس اجتماعی کلانتری شقای مشهد گفت: ۱۳ ساله بودم که لباس سفید و زیبایی عروس را پوشیدم. اگر چه تصویری از زندگی مشترک نداشتم اما عاشق لباس عروس بودم. احساس می کردم با دوستانم خاله بازی می کنم و یک سرو گردن بالاتر از آن ها هستم. گویی زیباترین و خوشبخت ترین دختر روی زمین بودم. خلاصه یک سال بعد زندگی مشترک من و «شهرز» در حالی آغاز شد که اولین سیلی او مرا از خواب و خیال شیرین کوه کانه بیرون کشید. وقتی صدای آن سیلی در گوشم پیچید تازه فهمیدم که زندگی مشترک تفاوت زیادی با خاله بازی دارد. شهرز که وارد نوزدهمین سال زندگی اش شده بود هیچ راهی اختیاری از خود نداشت و مادرش برای زندگی ما تصمیم می گرفت. حتی برای استحمام یا شست و شوی لباس ها باید از او اجازه می گرفتم چرا که در خانه مادر شوهرم زندگی می کردم و همه امور آن خانه به دست مادر شهرز بود. از سوی دیگر شهرز نیز شخصیت مستقلی نداشت و هیچ گانمی توانست بدون مشورت با مادرش حتی یک جفت کفش برای خودش بخرد. هنوز یک سال بیشتر از او دواج من گذشت که کنایه های خانواده همسرم بسیار آزاردهنده شد. آن هامر اذختری نازا خطاب می کردند که به قول معروف اجاق کور هستم ولی سه سال بعد با به دنیا آمدن پسرم باز هم تغییری در رفتار و گفتار همسرم ایجاد نشد. از آن روز به بعد شهرز به بهانه این که سرو صدا و گریه های نوزاد آزار آمشش را به هم می زند تا سپیده دم به خانه باز نمی گشت و من در حالی که گهواره فرزندم را تکان می دادم، چشم به در می دوختم و تیک تیک ثانیه های ساعت را می شمردم که در سکوت نیمه شب صدای ترسناکی داشت ولی خواب چشمانم را می ربود تا همسرم خبری نبود. در همین روز ها متوجه اعتیاد شهرز شدم اما موضوع را انکار می کردم و مدعی بودم او تهمت می زرم. با وجود این خانواده اش نیز از او حمایت می کردند و مادر و عمو می پنداشتند اما آرام آرام خیانت های همسرم بر ملا شد. با آن که همواره سعی می کردم همه خواسته های همسرم را برآورده کنم ولی ارتباط او با زنان دیگر، موجب سردی روابط بین ما شد. به همین دلیل خیلی احساس تنهایی می کردم از این زندگی مایوس بودم تا این که یک روز وقتی برای خرید مایحتاج روزمره به یک خواربار فروشی رفته بودم با «محمود» آشنا شدم. او مردی بسیار خوش برخورد و مهربان بوده بطوری که در همان اولین ملاقات به او دل باختیم. «محمود» بازارش کامل به حرف هایم گوش می داد و من هم با او درد دل می کردم. دیدار های حضوری و تلفنی ما هر روز بیشتر می شد، به گونه ای که آن مرد غریبه سنگ صبور بود و با مهربانی و خوشرویی مانند یک دوست به حرف هایم گوش می داد. همان چیزی که گمشده من در زندگی با «شهرز» بود و او آن را از من دریغ می کرد. احساس می کردم گذشته ام را در وجود محمود یافته ام و به همین دلیل به این ارتباط خیابانی ادامه می دادم. بالاخره با گذشت پنج سال از زندگی مشترک با شهرز در حالی تصمیم به طلاق از او گرفتم که محمود نیز وعده ا دواج به من داده بود. آن قدر در عشق بوشالی محمود گرفتار شدم که حتی عشق مادری را نیز به فراموشی سپردم و سرپرستی دو فرزندم را به شهرز دادم تا در کنار محمود خوش بگذرانم. خلاصه به عقد موقت او درآمدم و زندگی مشترک مرا در یک منزل کوچک منزل کوچه ای در حالی آغاز کردم که محمود هر از گاهی به سراغم می آمد ولی خیلی زود همه آرزو هایم به باد فنا رفت، چرا که فهمیدم محمود مرد خلافتکاری است که با خرید و فروش مواد مخدر روزگار می گذراند. من چاره ای جز سکوت نداشتم چرا که همه پول های پشت سرم را خراب کرده بودم. با وجود این زندگی با محمود زمانی آزاردهنده شد که او با دختر دیگری ارتباط برقرار کرد و او را به منزل من می آورد. آن ها مقابل چشمان حیرت زده من مواد مخدر مصرف می کردند، شربوب می نوشیدند و... حالا پاسخ خیانت های خودم را در آینده می بینم چرا که... شایان ذکر است، پرونده این زن جوان به دستور سرهنگ نوروزی (رئیس کلانتری شفا) در دایره مددکاری اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

((آگهی مناقصات عمومی یک مرحله ای))

شرکت آب و فاضلاب مشهد در نظر دارد با رعایت مفاد آیین نامه معاملات شرکت های آب و فاضلاب شهری و استانی و از طریق مناقصات عملیات مشروحه ذیل را به پیمانکاران ذیلصلح واگذار نماید .

ردیف	موضوع	مدت اجرا	مبلغ برآورد اولیه به ریال	مبلغ تضمین فرایند ارجاع کار به ریال	حداقل رتبه و رشته مورد نیاز	نوع تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار
۱	اجرای عملیات تکمیل ساختمان اتفاقات آب و فاضلاب ناحیه ۱ مشهد (با ارزیابی کیفی)	۱۲ ماه	۱۴/۶۹۷/۵۲۴/۸۳۱	۷۳۵/۰۰۰/۰۰۰	رتبه ۵ اینجیه از سازمان مدیریت و برنامه ریزی	۱. واریز نقدی به حساب جاری شماره ۱۰۰۰۵۰۰۰۵ بانکی پاسارگاد شعبه آبفای مشهد
۲	اجرای عملیات اصلاح شبکه و نصب مجدد انشعابات فرسوده بصورت پراکنده در سطح منطقه ۳ (با ارزیابی کیفی)	۱۲ ماه	۷/۵۷۶/۴۹۷/۹۳۸	۳۷۹/۰۰۰/۰۰۰	رتبه ۵ آب از سازمان مدیریت و برنامه ریزی	۲. ضمانتنامه بانکی
۳	اجرای عملیات نصب انشعابات و توسعه شبکه فاضلاب به صورت پراکنده و غیر پراکنده به همراه تامین لوله و لوازم در سطح منطقه ۲ فاز ۷	۶ ماه	۷/۶۹۴/۵۸۸/۲۰۰	۳۸۵/۰۰۰/۰۰۰		۳. اوراق مشارکت
۴	اجرای عملیات نصب انشعابات و توسعه شبکه فاضلاب به صورت پراکنده و غیر پراکنده به همراه تامین لوله و لوازم در سطح منطقه ۲ فاز ۸	۶ ماه	۷/۵۳۹/۲۳۹/۹۵۰	۳۷۷/۰۰۰/۰۰۰		۴. چک تضمین شده بانکی

- تاریخ و محل دریافت اسناد از تاریخ درج آگهی لغایت ۱۳۹۸/۷/۲۴ محل دفتر قراردادهای شرکت آب و فاضلاب مشهد و یا در سایت اینترنتی <http://iets.mporg.ir> قابل دریافت می باشد .
- آخرین مهلت عودت پاکات اسناد ارزیابی تکمیل شده (ردیف ۲) و پاکات مناقصه (ردیف ۳ و ۴) : پایان وقت اداری ۱۳۹۸/۸/۸ و به آدرس مشهد، خیابان فلسطین، فلسطین ۲۶، دبیرخانه مرکزی شرکت آب و فاضلاب مشهد می باشد ، تلفن ۰۳۷۰۰۸۱۲۴. مدت اعتبار پیشنهادات از تاریخ تحویل پاکات پیشنهاد قیمت به مدت سه ماه می باشد. . هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصات می باشد.

دفتر روابط عمومی و آموزش همگانی شرکت آب و فاضلاب مشهد

۰۹۸۰۹۳۵۰

bazar_mahaleh

مجمع انستگگرام بازارمه افتتاح شه!!!

برای دیدن تفصیف های ویژه مارو دنبال کنی

جهت سفارش آگهی در ویژه نامه

دفتر پذیرش آگهی: بلوار سازمان آب | نیش شپید صادقی ۱۸ | پلاک ۱۶۲

پذیرش آگهی: ۰۳۷۶۳۵۹۱۱ - مدیریت: فیروز خسروانی ۰۹۱۵ ۱۱۱۸۰۰۰

Bazarmahaleh.kh@gmail.com telegram.me/bazarmahalleh

bazar_mahaleh